

تخته



وام‌های اشتباهی!

یکی از عجیب‌ترین واقعیت‌های نظام بانکی کشورمان این است که بانک‌ها به کسانی وام می‌دهند که اصلا به وام نیاز ندارند و به کسانی که نیاز واقعی دارند، «نه» می‌گویند یا آنقدر سخت می‌گیرند که قیدش را بزنند. برای کسی که از بیرون به ماجرا نگاه می‌کند، شاید این موضوع غیرمنطقی و حتی ناعادلانه به نظر برسد. اما پشت این رفتار ناسالم، یک سازوکار پیچیده و ناکارآمد در نظام پولی کشور پنهان است. سازوکاری که در آن بانک مرکزی، ابزار توسعه را کنار گذاشته و بانک‌ها را تنها با سود و زیان خود رها کرده است.

در دل هر بانک، یک دغدغه بزرگ وجود دارد؛ اینکه چگونه ذخایر لازم را تأمین کنم تا بتوانم به خلق پول ادامه بدهم؟ این خلق پول همان وام‌های است که بانک‌ها به مشتریان می‌دهند و سود می‌گیرند. بانک‌ها برای اینکه بتوانند این وام‌ها را بدهند، باید پشتوانه‌ای به نام «ذخیره نزد بانک مرکزی» داشته باشند. اما این ذخایر از کجا می‌آید؟

در شرایطی که بانک مرکزی سیاست پولی انقباضی در پیش بگیرد، یعنی شری پول را تا حد ممکن ببند، بانک‌ها دیگر نمی‌توانند مثل قبل به منابع ارزان یا حمایت

مستقیم دسترسی داشته باشند.

در کشور های توسعه‌یافته، یا حتی در حال توسعه‌ای که نگاه توسعه‌گرایانه به بانکداری دارند، بانک مرکزی معمولاً ابزارهایی در اختیار دارد تا در عین کنترل تورم، به توسعه هم کمک کند.

یکی از این ابزارها «خط اعتباری تزرییحی» است؛ وامی با بهره پایین که بانک مرکزی به بانک‌ها می‌دهد، به شرط آنکه برای فعالیت‌های مشخص و مولد خرج شود. اما در ساختار فعلی ما، چنین ابزاری وجود ندارد یا در عمل کنار گذاشته شده است، به جای آن، بانک مرکزی از ابزارهایی استفاده می‌کند که بیشتر بر کنترل نقدینگی و نرخ سود بین‌بانکی تمرکز دارد، نه بر هدایت منابع به سمت تولید یا خدمات مفید اقتصاد.

نتیجه این ابزارها «خط اعتباری سده این شده است که بانک‌ها برای ادامه فعالیت، فقط یک راه دارند؛ جذب سپرده بیشتر. و اینجااست که رقابت میان بانک‌ها برای نگه داشتن سپرده‌های کلان بالا می‌گیرد. این رقابت دیگر فقط رقابت در نرخ سود نیست، بلکه به میدان امتیاز دادن وام دادن و امهال وام‌های بی‌دلیل تبدیل می‌شود.

بانک برای نگه‌داشتن فلان مشتری که چند صد میلیارد تومان در حسابش دارد، حتماً باید دل او را به‌دست بیاورد. پس به او وام می‌دهد، ولو اینکه آن مشتری اصلاً نیازی به پول نداشته باشد. شاید وام را حتی صرف هیچ فعالیت اقتصادی خاصی نکند اما برای بانک مهم نیست؛ مهم این است که آن پول در حساب بماند و بانک بتواند روی آن حساب کند.

در این میان، چه کسانی از دور خارج می‌شوند؟ کسانی که به وام واقعا نیاز دارند. کارآفرینی که می‌خواهد یک کارگاه تولیدی کوچک راه بیندازد، مغازه‌داری که سرمایه در گردش لازم دارد، یا خانوادہ‌ای که دنبال خرید خانه است. برای این افراد، یا منابعی باقی نمی‌ماند، یا آنقدر مقررات سخت و سسود بالا برای‌شان گذاشته می‌شود که گرفتن وام عملاً ناممکن می‌شود. بانک به زبان بی‌زبانی می‌گوید: «شما مشتری ما نیستید.» این رفتار حاصل یک الگوی ناقص و ناسازگار در کل نظام پولی کشورمان است. وقتی ابزارهای هوشمندانه پولی وجود ندارد و بانک‌ها نه تشویق می‌شوند به اعطای وام مولد و نه پاداشی برای حمایت از اقشار نیازمند می‌گیرند، طبیعی است که به سمت رفتاری بروند که سودشان را تضمین کند. و تضمین سود در شرایط فعلی یعنی رضایت ثروتمندان.

پایدم این چرخه، به‌جز بی‌عدالتی، اختلال در کل اقتصاد است. منابع مالی به جای آنکه صرف تولید شود، در جیب کسانی می‌رود که صرفاً پول خود را در بانک گذاشته‌اند. وام‌های بی‌اثر و سرمایه‌های خوابیده، فضای کسب‌وکار را از رشد باز می‌دارند. شکاف طبقاتی عمیق‌تر می‌شود و دسترسی نابرابر به منابع مالی، نارضایتی و ناامیدی اجتماعی را دامن می‌زند.

از این بدتر، خلق پولی است که بدون جهت انجام می‌شود. خلق پولی که نه اشتغال ایجاد می‌کند، نه تولید، نه رشد. فقط پول‌هایی که از حسابی به حساب دیگر می‌روند تا در ترازنامه بانک‌ها نقش ذخیره ایفا کنند، بی‌آنکه اثری در اقتصاد واقعی بگذارند. در نهایت، چنین بانکی نه بانک توسعه است و نه بانک مردمی؛ بلکه ماشینی است برای تداوم وضعیت موجود.

برای خروج از این چرخه معیوب، نگاه سیاستگذار پولی باید تغییر کند. کنترل تورم بدون توجه به بعد توسعه، فقط یک روی سکه است. بانک مرکزی باید ابزارهایی در اختیار داشته باشد که بانک‌ها را به سمت رفتارهای مفید اقتصادی سوق دهد. خط اعتباری هدفمند، معافیت‌های ذخیره‌ای برای وام‌های مولد و حتی جریمه برای منابع بدون بازده می‌توانند بانک‌ها را از خدمت به داراها، به خدمت به جامعه برگرداند.

بانک، اگر بخواهد نقش واقعی‌اش را در اقتصاد ایفا کند، باید منبع امید و سرمایه برای کسانی باشد که در جست‌وجوی رشد و کار هستند، نه صرفاً پارکینگ امن برای دارایی‌های بی‌استفاده. بدون اصلاح نگاه از بالا، نباید از پایین انتظار رفتار متفاوت داشت.

نیروگاه‌های خورشیدی به عنوان مکمل می‌توانند پازل تولید برق را تکمیل کنند اما بزرگنمایی اثر آن بر ناترازی‌ها و ناجی مطلق نشان دادن آن، آدرس غلط به سیاستگذاران این حوزه است. کارشناسان تأکید دارند؛ دولت برای عبور از خاموشی‌ها که حالا ویراساس آخرین اظهارات وزیر نیرو تا پاییز به تعویق افتاده چند محور راهبردی را به صورت فوری و متوازن در دستور کار قرار دهد. متنوع کردن منابع تأمین انرژی، سیاستی درست برای رفع ناترازی‌ها در حوزه برق است. با افزایش خاموشی‌ها در سال‌های اخیر استفاده از ظرفیت نیروگاه خورشیدی به عنوان یکی از چندین راهکار متنوع سازی منابع انرژی به کرات توصیه شده و البته وعده احداث ده‌ها هزار مگاوات نیروگاه خورشیدی داده می‌شود. حتی اعداد ۳۰ هزار یا ۸۰ هزار مگاوات هم به گوش می‌رسد. ■ ■ ■

هر چند این وعده‌ها تا کنون محقق نشده و در عمل، ظرفیت واقعی تحقق نیروگاه خورشیدی کمتر از هزار مگاوات است اما به صورت کلی ضروری است تا استفاده از ظرفیت نیروگاه خورشیدی به عنوان مهم‌ترین راهکار عبور از خاموشی‌ها از حالت تبلیغاتی دور شده و به واقعیت‌ها نزدیک تر شود. مهاجرانی، سخنگوی دولت در نشست خبری خود در مرداد ماه گفت: با سرمایه‌گذاری در انرژی خورشیدی ناترازی برق راحل می‌کنیم.

واقعیت آن است که پتل‌های خورشیدی اگر چه می‌توانند برای عبور از ناترازی‌های انرژی مؤثر باشند اما توان جایگزین شدن باینیروگاه‌های حرارتی را نداشته و محدودیت‌های متعددی دارند؛ از محدودیت در تولید واردات پتل‌ها تا محدودیت‌های فنی که به لحاظ قرار گرفتن در شرایط مختلف از جمله گرما، گرد و خاک و رطوبت دارند. بر این اساس ضروری است تا سیاستگذار به دور از هیاهو و تبلیغات گسترده که انرژی خورشیدی را نسخه نهایی حل بحران ناترازی برق معرفی می‌کنند از سایر روش‌های تولید برق و از همه مهم‌تر اصلاح قوانین مرتبط با حکمرانی انرژی غافل نباشند.

تداوم ناترازی ۱۰ هزار مگاواتی

در حوزه برق تقاضا در تابستان از ۷۵ هزار مگاوات نیز عبور کرد، در حالی که تولید ۶۵ هزار مگاوات است و بیش از ۱۰ هزار مگاوات ناترازی داریم.

وزیر نیرو پنج‌شنبه گذشته در بازدید از طرح‌های نیروگاهی در ورامین در جمع خبرنگاران گفت: پیش‌بینی می‌شود در فصل پاییز، خاموشی‌ها به حداقل برسد، به شرط آنکه واحدهای نیروگاهی به اندازه کافی گاز و آب داشته باشند. عباس علی‌آبادی با بیان اینکه تأمین سوخت نیروگاه‌ها بهبود یافته و شرایط آب و گاز در حال بهتر شدن است، افزود: با همراهی مردم و مساعد بودن شرایط هوا، امیدواریم

۲ گزارش

زینب زورین

دیوان محاسبات کشور با پیگیری‌های مستمر، سازمان تأمین اجتماعی را ملزم به پرداخت معوقات مستمری بگیران کرده است. این معوقات که شامل تفاوت افزایش مستمری و متناسب‌سازی حقوق برای بیش از ۴/۵ میلیون پرورنده مستمری است، با بودجه‌ای بالغ بر ۲۵/۶۵۵ میلیارد تومان، این سه‌م مرحله و تا پایان شهریور ۱۴۰۴ پرداخت خواهد شد. این اقدام نشان داد، ظاهراً سازمان تأمین اجتماعی صرفاً با «چوب تر» نهادهای بالادستی حاضر به انجام وظایف بدیهی خود است و بدون این فشار، حقوق مردم را نادیده می‌گیرد. ■ ■ ■

بازنشستگان و مستمری‌گیران تأمین اجتماعی، به‌عنوان یکی از اقشار زحمت‌کش و آسیب‌پذیر جامعه، سال‌هاست در انتظار بهبود وضعیت معیشتی خود به سر می‌برند. تورم افسار‌گسیخته، افزایش سرسام‌آور هزینه‌های زندگی و فشارهای اقتصادی، این گروه را در تنگنای مالی شدیدی قرار داده است. پرداخت به‌موقع حقوق و معوقات، یکی از مطالبات اصلی این قشر است که سال‌ها با بی‌توجهی مواجه شده است.

این مشکلات به زودی برطرف شود.

نیروگاه‌های حرارتی ستون اصلی تولید برق

هاشم صادقی، کارشناس حوزه انرژی در گفت‌وگو با «جوان» با اشاره به وضعیت ناترازی‌ها گفت: در سال آبی جاری، به دلیل کاهش شدید نزولات جوی، ذخایر آبی کشور نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۵۰ درصد کاهش یافته است. این موضوع سبب شده ظرفیت تولید برق آبی به حداکثر حدود ۷ هزار مگاوات محدود شود و این ظرفیت نیز تنها در مدت کوتاهی قابل استفاده باشد. به این ترتیب، در عمل سهم قابل توجهی از تولید برق آبی از مدار خارج می‌شود.

وی با بیان اینکه عبور از اوج مصرف به معنای پایان ناترازی نیست تأکید کرد: دولت چندین راهکار را ضروری است تا منظر قرار دهد. یکی از این اقدامات حفظ نیروگاه‌های حرارتی به عنوان ستون اصلی تولید برق است. طبق گزارش‌های اعلامی در سال گذشته احداث واحدهای جدید نیروگاهی ۴۵ درصد رشد داشته و اعلام شده در این مدت محدودیت تولید نیروگاه بخاری به ظرفیت ۷۵۰ مگاوات برطرف شده و توان تولید برق واحدهای گازی نیز حدود ۶۷۰ مگاوات افزایش یافته است.

صادقی افزود: با این حال، مسئله مهم این است که میزان ناترازی‌ها به گونه‌ای است که حتماً نیازمند متنوع‌سازی

اقتصاد

سرویس اقتصادی ۶۰۰ ۸۸۵۲۳۰

گزارش یک

سعیده زمانی

کارشناسان تأکید دارند در اثر گذاری نیروگاه‌های خورشیدی بر ناترازی‌های برق بزرگنمایی نشود

خورشید به‌تنهایی خاموشی‌ها را روشن نمی‌کند

هاشم صادقی، کارشناس حوزه انرژی در گفت‌وگو با «جوان»: در دو دهه اخیر، سرمایه گذاری لازم برای توسعه ظرفیت نیروگاهی کشور، متناسب با رشد مصرف، انجام نشده است

و این مسئله به حکمرانی اقتصادی غلط در صنعت برق باز می‌گردد

درد

توصیه کارشناسان حوزه انرژی، اتخاذ مجموعه‌ای از تصمیمات در حوزه افزایش تولید و مدیریت مصرف است که به عبور از ناترازی برق می‌انجامد. در غیر این صورت اگر باز هم به سمت شعار و تبلیغ برویم، مردم همچنان با خاموشی دست به گریبان خواهند بود

بالا تر رود، بازدهی کمتر می‌شود. همچنین به گفته او نیروگاه‌های خورشیدی در ساعاتی از روز بازدهی محدودی خواهند داشت.

برنامه‌های جدید برای مدیریت مصرف برق

در کنار اتخاذ سیاست‌هایی که به افزایش تولید منجر می‌شود کارشناسان بر لزوم مدیریت مصرف نیز تأکید جدی دارند. در این حوزه برنامه‌هایی از سوی ساتیا به تازگی اعلام شده است. سید مهدی حسینی، مدیر کل دفتر برنامه، بودجه و تنظیم مقررات سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی برق اظهار کرد: استفاده از اینوترهای (مبدل) هیبریدی در نیروگاه‌های خورشیدی ویژه مشترکان خانگی، صنعتی و تجاری نهایی و به شرکت توانیر ابلاغ شده است.

به گفته حسینی، صاحبان صنایع و متقاضیان از این پس می‌توانند برق تولیدی خود را عرضه کرده و حتی در زمان قطع فیدر، نیاز داخلی خود را تأمین کنند.

وی در عین حال خاطر نشان کرد: سرمایه‌گذارانی می‌توانند از مسیرهای متنوع شامل بورس انرژی، قرارداد خودتأمین صنایع و خرید تضمینی ماده ۶۱ اقدام کنند و در زمان

خاموشی نیز به فروش برق خود اقدام کنند.

حسینی تصریح کرد: متقاضیان با استفاده از این فناوری می‌توانند برق تولیدی خود را به ساتیا یا از طریق تألیوی سبز بورس انرژی عرضه کنند و به فروش رسانند.

مدیر کل دفتر برنامه، بودجه و تنظیم مقررات ساتیا تصریح کرد: براساس این ابلاغیه، اعمال بهای خاموشی در قراردادهای مربوطه حذف خواهد شد.

وی در مورد چگونگی اجرایی شدن طرح افزود: دستورالعمل نحوه اتصال، نصب و سایر الزامات فنی و اجرایی با همکاری شرکت توانیر تنظیم و به شرکت‌های توزیع نیروی برق سراسر کشور ابلاغ خواهد شد. در مجموع توصیه کارشناسان حوزه انرژی، اتخاذ مجموعه‌ای از تصمیمات در حوزه افزایش تولید و مدیریت مصرف است که به عبور از ناترازی برق می‌انجامد. در غیر این صورت اگر باز هم به سمت شعار و تبلیغ برویم، مردم همچنان با خاموشی دست به گریبان خواهند بود.

تأمین اجتماعی مجبور به پرداخت معوقات مستمری بگیران شد

آسیب‌پذیر هستند. هر گونه نارسایی در این زمینه، تأثیر مستقیمی بر کیفیت زندگی آنها دارد و می‌تواند آنها را در تأمین نیازهای اولیه مانند خوراک، مسکن و درمان با مشکلات جدی مواجه کند. سیاست افزایش مستمری و متناسب‌سازی حقوق که در سال‌های اخیر برای جبران فاصله میان درآمد بازنشستگان و هزینه‌های زندگی اجرا شده، قرار بود مرهمی بر این زخم‌ها باشد. اما تأخیرهای مکرر در پرداخت معوقات این افزایش‌ها، نارضایتی‌های گسترده‌ای را در میان مستمری‌گیران به وجود آورده بود.

نظارت دقیق می‌تواند دستگاه‌های اجرایی را به اجرای تعهدات‌شان وادار کند. با این حال، چالش‌هایی نیز در مسیر اجرای این طرح وجود دارد. تأمین منابع مالی کلان، هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف و اطمینان از پرداخت دقیق و به‌موقع، نیازمند مدیریت قوی و شفافیت کامل است.

مستمری‌گیران انتظار دارند این پرداخت‌ها بدون تأخیر با کسورات غیرمنتظره انجام شود و اطلاعات مربوط به زمان‌بندی پرداخت‌ها به‌صورت شفاف در اختیار آنها قرار گیرد.

حجم عظیم تعهدات مالی سازمان تأمین اجتماعی است و از سوی دیگر، بی‌توجهی این سازمان به تعهدات خود نسبت به بیمه‌شدگان را آشکار می‌کند.

بر اساس برنامه‌ریزی اعلام‌شده، سازمان تأمین اجتماعی موظف شده است این معوقات را در سه مرحله و تا پایان شهریور ۱۴۰۴ به حساب مستمری‌گیران واریز کند. این تصمیم، بار مالی سنگینی را از دوش بازنشستگان برمی‌دارد و نشان‌دهنده اهمیت نقش نهادهای نظارتی در الزام دستگاه‌های اجرایی به انجام وظایف‌شان است. بدون فشار دیوان محاسبات، به نظر می‌رسد سازمان تأمین اجتماعی همچنان در انجام تعهدات خود تعلل می‌کرد و حقوق میلیون‌ها نفر را نادیده می‌گرفت. این واقعیت، ضرورت نظارت قوی‌تر و پاسخگویی شفاف‌تر از سوی سازمان‌های دولتی را بیش از پیش بر جسته می‌کند.

مستمری‌گیران تأمین اجتماعی، شامل بازنشستگان، از کار افتادگان و با‌اماندگان، بخش قابل توجهی از جمعیت کشورمان را تشکیل می‌دهند. این افراد که اغلب با درآمد ثابت و محدود زندگی می‌کنند، به شدت در برابر تأخیر در پرداخت حقوق یا معوقات



طبق اعلام دیوان محاسبات، معوقات مربوط به تفاوت افزایش مستمری و متناسب‌سازی حقوق برای فروردین ۱۴۰۴ محاسبه شده است. این معوقات که

دلار آرام اما شکننده!

قیمت ۲۸ هزار و ۳۲۰ تومان، تتر با ۱۰۱ هزار و ۹۱۷ تومان و پوند انگلیس با ۳۹ هزار و ۱۳۰ تومان معامله شدند. بورو نیز با نرخ ۱۲ هزار و ۷۴۰ تومان در بازار آزاد خرید و فروش شد. این نرخ‌ها، هرچند تحت تأثیر نوسانات دلار قرار دارند، اما ثبات نسبی را در بازار ارزهای غیردلاری نشان می‌دهند.

کارشناسان به سرمایه‌گذاران و مردم عادی توصیه می‌کنند، در شرایط کنونی از تصمیمات شتاب‌زده در بازار ارز خودداری کنند. با توجه به ریسک بالای این بازار و وابستگی آن به تحولات سیاسی، رصد دقیق اخبار و تحلیل شرایط ضروری است. نشست شورای حکام در روز دوشنبه می‌تواند نقطه عطفی برای بازار باشد و نتایج آن، چه مثبت و چه منفی، مسیر قیمت‌ها را در روزهای آینده تعیین خواهد کرد. فعالان بازار و سرمایه‌گذاران باید با دقت تحولات را دنبال کنند و با احتیاط بیشتری در این فضای حساس تصمیم‌گیری کنند.

اگر مذاکرات به نتایج مثبتی منجر شود، دلار می‌تواند به کانال

۱۰۱ هزار تومان بازگردد.

اما در صورت ناکامی مذاکرات، افزایش تقاضا ممکن است قیمت‌ها را به سطوح بالاتری هدایت کند. این فضای بلاتکلیفی باعث شده تا حجم معاملات در بازار کاهش یابد و فعالان منتظر اخبار جدید باشند.

در بازار رسمی، مرکز مبادله ارز و طلا نرخ اسکناس دلار را ۷۱ هزار و ۹۶۳ تومان و حواله دلار را ۶۹ هزار و ۸۶۷ تومان اعلام کرد. این اختلاف قابل توجه بین نرخ‌های رسمی و آزاد، نشان‌دهنده تأثیر عوامل روانی و سیاسی بر بازار آزاد است.

بازار ساز با عرضه مناسب ارز، تلاش کرد تا از جهش‌های قیمتی جلوگیری کند اما همچنان انتظارات سیاسی نقش اصلی را در تعیین جهت بازار ایفا می‌کند.

نگاهی به سایر ارزهای پرتقاضا نشان می‌دهد، درهم امارات با



سیاسی و اخبار مرتبط با مذاکرات ایران و آژانس گره خورده است. معامله‌گران در شرایطی شکننده و با احتیاط بیشتری خرید و فروش می‌کنند. برخی کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند،